

تدوین و تبیین مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایرانی

داود سلمانی¹
علی پیران‌نژاد²
علی‌اکبر فرهنگی³
محمدعلی ماندگاری⁴

چکیده

هدف: هدف محققان در این پژوهش، تدوین و ارائه مدلی برای مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایرانی بود.
روش: روش تحقیق به صورت کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است و گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش استراوس و کوربین و مدل پارادایمی، نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری نظری با بهره‌مندی از تکنیک‌های هدفمند و گلوله برفی است که بر مبنای آن، 29 مصاحبه با خبرگان صاحب صلاحیت صورت گرفت. **یافته‌ها:** دانشگاه ایرانی دارای میزانی از بلوغ‌یافتگی در خصوص سرمایه‌های فکری خود است. فشارهای محک‌زنی، تحول در اقتصاد دانشی، فشار محیط کسب‌وکار، مأموریت دانشگاه‌های نسل سوم و انگیزه‌های مدیریتی، انگیزه‌هایی‌اند که دانشگاه مبادرت به پیاده‌سازی و اجرای مدل بلوغ سرمایه فکری خود می‌کند. این مدل دارای 12 مؤلفه و پنج دامنه است. ابعاد ساختاری، هزینه‌های پیاده‌سازی، مدیریت عالی سازمان، جو سازمانی، ارزیابی، دانش و تجربه سازمانی و مقاومتهای درون‌سازمانی، متغیرهای اثرگذار بر روند پیاده‌سازی مدل‌اند و می‌توانند سبب تسهیل یا ممانعت از اجرای موفق آن شوند. در صورت پیاده‌سازی مدل می‌توان انتظار توسعه شبکه تحقیق و توسعه، افزایش کارایی نظام آموزشی و پژوهشی، توسعه ساختار و تجاری‌سازی دانش را داشت. **نتیجه‌گیری:** بلوغ در سرمایه‌های فکری به منزله الزامی مهم برای دانشگاه‌هاست که می‌تواند زمینه لازم را در راستای بهبود عملکرد متناسب با نیازهای محیطی ایجاد کند.

واژگان کلیدی: مدل بلوغ، سرمایه فکری، نظریه برخاسته از داده‌ها، دانشگاه‌های ایران.

♦ دریافت مقاله: 97/07/30؛ تصویب نهایی: 98/03/07

1. دکتری رهبری رفتار انسانی، بین‌المللی ایالات متحده، دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران؛ دانشگاه مدیریت دانشگاه تهران. نمابر: 88006477 / Email: salmani@ut.ac.ir
2. دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران.
3. دکتری مدیریت ارتباطات، اوهایو، استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه مدیریت، دانشگاه تهران.
4. دانش آموخته مدیریت دولتی.

الف) مقدمه

با این پیش فرض که رشد اقتصادهای دانش بنیان اغلب مبتنی بر سرمایه‌های نامشهود است (لو، 2001¹)، طی دهه گذشته گرایش روزافزونی به مفهوم سرمایه فکری در ادبیات مدیریتی به وجود آمده است (گاتری² و همکاران، 2004؛ هاتر³ و همکاران، 2005؛ تان⁴ و همکاران، 2008). دامنه گسترده‌ای از پژوهشهای مرتبط با سرمایه فکری در اشکال مختلف سازمانی، مانند نهادهای دولتی، مراکز تحقیقاتی، سازمانهای فرهنگی و سنتی، مراکز پلیس، دانشگاهها و بیمارستانها و گروه‌های محلی شناسایی شده است (گاتری و همکاران، 2012). اما با این حجم از فعالیت پژوهشی در رابطه با سرمایه فکری، همچنان در بخش عمومی و غیر انتفاعی فرصتهای پژوهشی مناسبی وجود دارد.

دارایی‌های نامحسوس و سرمایه فکری به طور گسترده به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه‌ها برای خلق ارزش در شرکتها و همچنین خلق ثروت اقتصادی کشورها لحاظ می‌شوند. رویکردهای مربوط به سرمایه فکری، ابتدا در سطح شرکتها و اغلب به عنوان راهی برای یافتن شکاف بین ارزش ترازنامه‌ای و بازاری شرکتها توسعه پیدا کردند. جای تعجب نیست با توجه به اینکه سازمانهای دولتی ارزش بازاری ندارند، در محیط رقابتی عمل نمی‌کنند و محصولات و خدمات آنها هم سازوکارهای قیمت گذاری بازار را ندارند، در اوایل طرح مفهوم سرمایه فکری، رویکردهای آن اهمیت چندانی در بخش دولتی و عمومی نداشت. با این حال، به دلیل درجه بالای ناملموسی دارایی‌های این دسته از سازمانها، به تدریج مفاهیم و ابزارهای سرمایه فکری راه خود را به بخش دولتی و سازمانهای غیر انتفاعی نیز باز کردند. (موریتسن، 2006⁵؛ کنگ و پرور، 2008⁶؛ کنگ، 2010)

مرور ادبیات مفهوم سرمایه فکری بیانگر آن است که در دوره کنونی، مدیران بخشهای عمومی و دولتی به اهمیت سرمایه فکری آگاهی یافته و طی چند دهه گذشته تعداد فزاینده‌ای از سازمانهای دولتی و سازمانهای غیر انتفاعی، تلاشهای قابل توجهی برای شناسایی، اندازه گیری، مدیریت و افشای سرمایه فکری خود انجام داده‌اند. (کنگ، 2010؛ کنگ و پرور، 2008)

دانش و دانش آفرینی، محور اصلی توسعه و پیشرفت در دنیا شده است. مزیت رقابتی سازمانها و جوامع، دانش است و برتری کشوری بر کشور دیگر با قدرت دانش رقم می‌خورد (بامارد، 2007⁷). از این رو، دانشگاهها به عنوان بازیگران اساسی جامعه دانش بنیان و هسته سیاستگذاری در سطح ملی، حوزه جذابی را برای تحقیقات مرتبط با سرمایه فکری ارائه می‌دهند. علاوه بر این، دانشگاهها نقش محوری در توسعه محلی داشته و پتانسیل قابل توجهی در توسعه و پیاده‌سازی راهبردهای کسب و کار مدرن دارند (کمپتون⁸ و همکاران، 2013). با وجود رهنمونهای مدیریت عمومی

-
1. Lev
 2. Guthrie
 3. Hunter
 4. Tan
 5. Mouritsen
 6. Kong & Prior
 7. Baumard
 8. Kempton

تدوین و تبیین مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایرانی ♦ 249

مبنی بر پیاده‌سازی ابزارها و روشهای مدیریتی جدید، در عمل بیشتر دانشگاهها تلاش می‌کنند بدون تغییرات معنادار در مدیریت فرایندهای درونی سازمان، نیازهای سیاسی و اجتماعی روزافزون محیط را برآورده سازند (سانچز و التا،¹ 2006؛ رامیرز² و همکاران، 2011). با این وجود، مطالبه روزافزون ذی‌نفعان دانشگاهها برای شفافیت بیشتر، رقابت بین دانشگاهها و همچنین استقلال بیشتر، دانشگاهها را به سمت به کارگیری سیستم‌های مدیریت و عملکرد نوآورانه سوق داده است. سیستم‌های مدرن گزارش‌دهی و عملکرد، به مؤسسات بخش عمومی و به طور خاص دانشگاهها اجازه می‌دهد در وضعیت بهتری برای ایجاد شفافیت در مورد روشهای استفاده از بودجه دولتی، ارائه دستاوردهای پژوهشی، آموزش، نوآوری و منافع آنها برای ذی‌نفعان، نمایش بهبود در وضعیت دارایی‌های نامشهود، بیان ارزشهای سازمانی جدید و نمایش وضعیت رقابتی قرار گیرند.

موضوع چالش برانگیز در مراکز پژوهشی و دانشگاهها، مدیریت اثربخش دارایی‌های نامحسوس و سرمایه فکری است که بیشترین بخش از دارایی‌های هر دانشگاه را تشکیل می‌دهد (سکاندو³ و همکاران، 2010؛ سانچز و التا، 2006). در چنین سازمانهایی، ارزش سرمایه فکری باید بر حسب ارزش مستقیم یا غیر مستقیم اجتماعی آن اندازه‌گیری شود. (کاستلانوس و رودریگز،⁴ 2004)

طی دو دهه گذشته تلاشهای گسترده‌ای برای به کارگیری مدل‌های سرمایه فکری در دانشگاهها و مراکز تحقیق انجام شده است (رامیرز و گردیلو، 2014؛ یو⁵ و همکاران، 2012؛ سکاندو و همکاران، 2010؛ سانچز و التا، 2006؛ پتر، 2004). دومای⁶ (2016) به انتقاد از گسترش قارچ‌گونه چارچوبهای سرمایه فکری پرداخته و مدعی است در حال حاضر به اندازه کافی چارچوب اندازه‌گیری سرمایه فکری موجود است. (سویی،⁷ 2010)

روشهای مدیریت و توسعه سرمایه فکری، به شدت به ویژگی‌های اختصاصی هر دانشگاه، تجارب گذشته در ارتباط با ابزارهای مدیریتی و گرایشهای مدیریتی آن وابسته است. از این رو، به چارچوبی جامع، منعطف و عمومی از سرمایه فکری نیاز است تا توسط دانشگاههایی با ویژگی‌های مختلف و در سطوح بلوغ متفاوت، فارغ از طبیعت اختیاری یا اجباری اجرای آن، به کار گرفته شود و بتواند اثرات واقعی سرمایه فکری را در عمل نمایش دهد. بر این اساس و با توجه به تنوع گسترده مدل‌های سرمایه فکری برای دانشگاهها و بخش آموزش عالی که اغلب توسط مؤسسات خصوصی، طراحی و به صورت اختیاری پیاده‌سازی می‌شود (سانچز و التا، 2006)، تمرکز این پژوهش بر طراحی چارچوبی عمومی برای پیاده‌سازی و اجرای مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاههاست. با توجه به ماهیت متفاوت دانشگاهها در ایران از منظر خاستگاه تشکیل، مأموریت و اهداف، اندازه و سایر شاخصها، هدف این تحقیق نه سنجش و ارزیابی بلوغ یک دانشگاه خاص و نه حتی ارائه یک مدل بلوغ عمومی برای تمام دانشگاه، که در حقیقت

1. Sanchez & Elena

2. Ramirez

3. Secundo

4. Castellanos & Rodriguez

5. Wu

6. Dumay

7. Sveiby

ارائه مدلی از مفهوم پدیده مدل بلوغ سرمایه فکری از زوایای متفاوتی همچون: شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و راهبردها و پیامدهاست و بدیهی است که به دنبال تجویز یک مدل بلوغ قابل اجرا در هر دانشگاه نیست. هر دانشگاه برای پیاده‌سازی مدل اختصاصی خود می‌بایست بر اساس ویژگی‌های خاص خود، به شناسایی شاخصهای بومی‌اش بپردازد.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد در حیطه پژوهشی سرمایه فکری در دانشگاهها، با وجود تعداد زیاد پژوهشها، چندان به مفهوم مدل بلوغ سرمایه فکری توجه نشده است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا این شکاف را از طریق روشی کیفی پر کرده و مسیری جدید در پژوهشهای سرمایه فکری ارائه کند. بر اساس بررسی‌های محقق، تاکنون پژوهشی در ارتباط با ارائه مدلی از مفهوم مدل بلوغ سرمایه فکری انجام نشده و به تبع آن، همین شکاف در پژوهشهای سرمایه فکری در دانشگاهها و نیز در محدوده جغرافیای کشور نیز وجود دارد.

1. سرمایه فکری

یکی از مفاهیمی که مدیران در سازمان پیگیر تقویت آن‌اند، استفاده از سرمایه‌های نامشهود در سازمان است. در این بین، از سرمایه فکری به دلیل جامعیت لازم در حوزه سرمایه‌های نامشهود، استقبال شده است. می‌توان سرمایه فکری را چنین تعریف کرد: «لگویی جامع پیرامون یکپارچگی صحیح سرمایه‌های نامشهود یا غیر مادی که شرکت را در بهبود و تقویت عملکرد کسب و کاری مهیا کند». (کازور¹ و همکاران، 2013)

2. سرمایه فکری در دانشگاهها

از مهم‌ترین وجوه مشترک بین دانشگاهها و سایر سازمانها این است که همگی در محیط رقابتی فعالیت می‌کنند و برای پاسخگویی به نیازهای مشتریان و بقای خود باید کیفیت خدمات و فرایندهای خود را بهبود بخشند و برای این منظور، نیاز به ایجاد ارزش دارند و اینکه، باید به تقاضاهای اجتماعی پاسخ دهند. همچنین دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به ایجاد شبکه و بهره‌گیری از تجارب دیگر سازمانهای مشابه برای بهبود عملیات و عملکرد خود نیاز دارند. بنابر این، به مرور زمان و طی دهه اخیر به دلیل نقش دانش به عنوان منبع ایجاد ارزش در اقتصاد دانشی، به اهمیت سرمایه‌های فکری و سنجش و مدیریت آنها در دانشگاهها توجه جدی شده است. از جمله منافع حاصل از مدیریت سرمایه‌های فکری در دانشگاهها، می‌توان به بهبود درک سرمایه‌های فکری و ارتباطشان با اهداف، استفاده از ابزارها و مدل‌های مناسب برای مدیریت یا سنجش سرمایه‌های فکری و توسعه آنها در دانشگاهها اشاره کرد. همچنین اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه‌های فکری به دانشگاهها این اجازه را می‌دهد تا نسبت به بهبود کیفیت فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود اقدام کنند و در برابر تغییرات، انعطاف‌پذیری و واکنش سریع داشته باشند و با توجه به استفاده این سازمانها از سرمایه‌های دولتی و ملی، شفافیت لازم را در چگونگی استفاده و مخارج آن ارائه کنند. همچنین به توسعه دارایی‌های نامشهود و جذب نیروهای بهتر، از قبیل دانشجویان، اساتید و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و دولتی اقدام کنند. (سانچز و همکاران، 2007)

3. عناصر سرمایه فکری در دانشگاهها

مطالعه ادبیات موضوع، طبقه‌بندی سه گانه سرمایه انسانی، ساختاری/ سازمانی و رابطه‌ای را از سرمایه فکری، یکی از پراستنادترین طبقه‌بندی‌ها معرفی می‌کند. با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص دانشگاهها، طبقه‌بندی سه‌گانه سرمایه فکری در یک دانشگاه را می‌توان به شرح ذیل بیان اختصاصی کرد:

یک) سرمایه انسانی: این سرمایه در دانشگاهها، دانشی تعریف شده است که منابع انسانی (مدرّسان، محققان، دانشجویان دکترای تخصصی و کارکنان اداری) آن را به سازمان ارائه می‌کنند، که با ترک این افراد از بین می‌رود. سرمایه انسانی دانشگاه، به ارزش نامشهود و مستتر در شایستگی‌های شخصی افراد اشاره دارد و شامل تخصص، دانش و تجربه محققان، استادان، کارکنان فنی، دانشجویان و کارکنان اداری است.

دو) سرمایه ساختاری: این سرمایه شامل منابع موجود در خود دانشگاه است؛ یعنی آنچه با ترک دانشگاه از سوی اعضای هیئت علمی و دانشجویان و دیگر افراد، همچنان با دانشگاه باقی می‌ماند؛ از جمله: پایگاههای اطلاعاتی، مالکیت‌های معنوی، طرحهای پژوهشی، زیرساختهای پژوهشی، فرایندها و روالهای آموزش و پژوهش، فرهنگ دانشگاه و قوانین و رویه‌های مدیریتی.

سه) سرمایه رابطه‌ای: این سرمایه در دانشگاهها، به عنوان کلیه منابعی که سازمان را با نیروهای خارجی نظیر مشتریان، تهیه‌کنندگان، شرکای تحقیق و توسعه و دولت پیوند می‌دهد، تعریف شده است (بونتیس، 2002). به عبارت دیگر؛ سرمایه رابطه‌ای دانشگاه به قابلیت‌ها و منابع نامشهودی اشاره دارد که قادر به خلق ارزشهای وابسته به روابط داخلی و خارجی دانشگاه است و شامل روابط دانشگاه با شرکای دولتی و خصوصی، موقعیت و سیمای دانشگاه در جامعه و محافل تخصصی، اعتبار علمی آن، نام تجاری، میزان مشارکت با بخشهای خصوصی و دولتی، ارتباط با سازمانهای غیر انتفاعی و مدنی، همکاری با مراکز تحقیقاتی ملی و بین‌المللی و شبکه‌های علمی، جذابیت برای پژوهشگران و دانشجویان به عنوان محلی برای ادامه تحصیل یا عضویت در هیئت علمی و مواردی از این دست می‌شود.

با این حال، تنها تمرکز صرف روی این سه بعد به صورت جداگانه و مستقل، بیش کافی را برای درک پویایی‌های سرمایه فکری نمی‌دهد. این سه جزء سرمایه فکری دارای وابستگی متقابل‌اند. سرمایه فکری از راه ترکیب، به کارگیری، تعامل، یکپارچه‌سازی و ایجاد تعادل بین سه جزء خود و نیز مدیریت جریان دانش بین آنها، بهترین ارزش ممکن برای سازمانها را ارائه می‌کند.

4. بلوغ سرمایه فکری

بلوغ عبارت است از درجه یا حدی از رشد و توسعه یافتگی؛ به گونه‌ای که به درجه کمال نسبی رسیده باشد. در تعریفی از سازمان می‌توان گفت که مجموعه‌ای از فرایندهاست که به طور آگاهانه در کنار هم قرار گرفته و هدف مشخصی را محقق می‌کنند. این تعبیر بر این نکته تأکید دارد که فرایندهای بالغ، بلوغ فرایندی را ایجاد کرده و توسعه می‌دهد (خامنه، 1386). از سویی دیگر، مدل بلوغ به شیوه مفهومی، مراحل مختلف افزایش قابلیت‌های کمی یا کیفی یک عامل در حال بلوغ را نشان می‌دهد؛ با این هدف که پیشرفت آن را از نظر حوزه‌های تعریف شده ارزیابی کند.

بکر و همکاران (2001) مدل‌های بلوغ را مدل‌های مفهومی‌ای می‌دانند که مسیر تحول مطلوب، منطقی، طبیعی و قابل پیش‌بینی را به سمت بلوغ نشان می‌دهند. از مدل‌های بلوغ اغلب در تلاش سازمانها برای بهبود استفاده می‌شود و اساساً این مدلها در وهله اول با همین هدف شکل گرفته‌اند. با توجه به اهمیت و نقش سرمایه فکری در بقا و موفقیت سازمان، تعالی و بلوغ در استفاده از قابلیت‌های سرمایه فکری از اهمیت خاصی برخوردار است. بلوغ سرمایه فکری، در حقیقت نشان‌دهنده وضعیت آرمانی یک سازمان در بهره‌گیری از پتانسیلهای نهان خود برای اهرمی‌سازی آنها به منظور افزایش بهره‌وری سازمانی است. مفهوم بلوغ سرمایه فکری به عنوان راهی برای ارزیابی وضعیت کامل بودن، تمام بودن یا آماده بودن یا میزان کامل بودن یا تمام بودن رشد یا توسعه مؤلفه‌های سرمایه فکری است.

ب) پیشینه تجربی

هر چند حجم عظیمی از پژوهشها با موضوع سرمایه فکری در ادبیات موضوع موجود است؛ اما پژوهشهایی که در آنها به مفهوم مدل بلوغ سرمایه فکری اشاره شده باشد، بسیار محدود و در واقع بر اساس یافته‌های نگارنده، تنها دو پژوهش است که در ادامه معرفی می‌شوند.

1. مدل بلوغ سرمایه فکری برای گسترش مدیریت راهبردی¹

هدف این مقاله، توسعه یک مدل بلوغ برای دانشگاهها و ارائه چارچوبی برای تعریف و اجرای رویکردهای اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه فکری، به عنوان بخشی از مدیریت راهبردی دانشگاه است. بنابر این، چارچوبی را برای ایجاد تغییر گام به گام در یک دانشگاه بر اساس سطح فعلی بلوغ مدیریت سرمایه فکری پیشنهاد می‌کند. مراحل مختلف بلوغ ممکن است پاسخی برای مقابله با تنوع زیاد دانشگاههای اروپایی باشد، که برخی از آنها جهت‌گیری مدیریتی قوی دارند. رویکرد پژوهشی مبتنی بر آنچه مرحله سوم پژوهش سرمایه فکری نامیده می‌شود، بر شیوه‌های رویکردهای سرمایه فکری تمرکز کرده، نه بر مبنای نظریه‌های آن. این پروژه با هدف تضمین کیفیت در آموزش عالی از طریق چارچوب پروژه حسابرسی و حسابرسی ایجاد شده توسط آژانس اجرایی آموزش عالی و سرمایه‌گذاری تحقیقاتی رومانی اجرا شده است. سه کارگاه آموزشی مشترک با هدف گردهم آوردن 15 متخصص

1. An Intellectual Capital Maturity Model (ICMM) to Improve Strategic Management in European Universities

253 ♦ تدوین و تبیین مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایرانی

بین‌المللی و حرفه‌ای سازماندهی شد تا دیدگاهها و تجربیات خود را در گزارش‌دهی سرمایه فکری به اشتراک بگذارند. در نهایت، این تحقیق مدلی را برای اجرای رویکردهای سرمایه فکری در دانشگاه‌های دولتی ارائه می‌دهد. همچنین یک پیوستار نظری فراهم می‌کند که در آن فرایند بلوغ می‌تواند به صورت افزایشی از یک سطح به سطح بعدی توسعه یابد. کسب آگاهی از مفهوم سرمایه فکری، تنظیم شاخصهای خاص سرمایه فکری، اندازه‌گیری سرمایه فکری، گزارش اطلاعات سرمایه فکری، تفسیر و تصمیم‌گیری، راهبرد و برنامه‌ریزی، از جمله سطوح این مدل بلوغ‌اند.

2. مدل اندازه‌گیری بلوغ سرمایه فکری در سازمانهای تولیدی¹

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق موردکاوی، تلاش می‌کند تا مفاهیم موجود در ادبیات موضوع را در قالب یک مدل بلوغ سرمایه فکری عرضه کند. با استفاده از متد Proknow-C برای مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش، منابع موجود در پایگاههای علمی Scopus، Science Direct و Web of Science بررسی شدند و در مجموع، 21 بر ساخت از این مرورها که زیر نظر یک گروه 18 نفره از داوران انجام شد، به دست آمد.

ج) روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش‌شناسی، توصیفی - پیمایشی؛ از نظر هدف، بنیادین و از لحاظ نوع داده‌های گردآوری شده، کیفی است (داتی‌فرد و همکاران، 1395: 45). در این تحقیق، برای شناسایی پدیده مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه، از رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن، شامل خبرگان دانشگاهی اعم از اعضای محترم هیئت علمی، مدیران عالی‌رتبه، کارمندان و مسئولان اجرایی دانشگاهها و دانشجویان انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نظری به روش اصلی در روش داده‌بنیاد به کار گرفته شد. با انجام مصاحبه‌ها در فضایی دوستانه و پیاده‌سازی بلافاصله متن مصاحبه و انجام تحلیل، به ترتیب با 29 نفر دیگر مصاحبه انجام شد. مفاهیم برآمده از تحلیلها در همه مراحل، راهنمای محقق برای انتخاب بهترین گزینه برای مصاحبه بود؛ به گونه‌ای که در چند مورد، محقق به گفتگو با مسئولان دولتی، مدیران صنعت و همچنین پژوهشگران سرمایه فکری پرداخت. بر این اساس، فرایند تحقیق روی خودش پرورش می‌یافت و با رعایت این اصل که جمع‌آوری و تحلیل با هم پیش روند، به صورت تدریجی مفاهیم ظهور و مسیر پژوهش را تعیین کردند.

سؤالات تحقیق

1. مدل بلوغ سرمایه‌های فکری در دانشگاه چیست؟
2. عوامل محرک یک دانشگاه در حرکت به سمت پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه فکری چیست؟
3. عوامل بیرونی که بر پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه اثر دارد، کدامند؟

4. عوامل داخلی که بر پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه اثر دارد کدامند؟
5. دانشگاه چه اقداماتی را باید در راستای پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه فکری انجام دهد؟
6. پیامدهای پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه چیست؟

روایی و پایایی

پایایی در مصاحبه، در مراحل چون موقعیت مصاحبه، نسخه‌برداری و تحلیل مطرح می‌شود. در این تحقیق از دو معیار پایایی بازآزمون و پایایی بین دو کدگذار بهره گرفته شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون، از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شد و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص، دوباره کدگذاری و سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهای مشابه با هم در دو فاصله زمانی، با عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام شده توسط محقق در دو فاصله زمانی، از طریق فرمول ذیل صورت گرفت:

$$\text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

نتایج این روش عبارت بودند از:

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون
1	مصاحبه سوم	82	37	14	90 درصد
2	مصاحبه ششم	71	30	9	84 درصد
	کل	153	67	25	87 درصد

برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها با روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکترای مدیریت منابع انسانی درخواست شد تا به عنوان همکار در پژوهش مشارکت کند؛ آموزشها و تکنیکهای لازم برای کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. سپس محقق به همراه همکار پژوهش، دو مصاحبه را کدگذاری کردند و درصد توافق درون‌موضوعی را که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، به دست آمد.

بر اساس نتایج، تعداد کل کدهایی که توسط محقق و همکار تحقیق به ثبت رسید، برابر 165؛ تعداد کل توافقات بین کدها، برابر 65 و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان، برابر 48 است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق، 78 درصد است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیش از 60 درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

برای ارزشیابی پژوهشهای مبتنی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیان، به جای معیارهای روایی و پایایی، معیار مقبولیت پیشنهاد شده است. مقبولیت به این معناست که یافته‌های تحقیق تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، محقق و خواننده در خصوص پدیده مورد مطالعه موثق و باورپذیر است. شاخصهای ذیل برای معیار مقبولیت معرفی شده است:

یک) تناسب: آیا یافته‌های پژوهش با تجارب متخصصان حوزه مطالعه و مشارکت‌کنندگان، سازگاری و همخوانی دارد؟ به منظور تحقق این معیار، یافته‌های پژوهش حاضر پس از ارزیابی و پالایش به تأیید دو نفر از

تدوین و تبیین مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه‌های ایرانی ♦ 255

متخصصان این حوزه رسید. همچنین نظریه پدیدار شده در اختیار چهار نفر از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و نظر تکمیلی آنان اعمال شد.

دو) کاربردی بودن یا مفید بودن یافته‌ها: آیا یافته‌های تحقیق بینش جدیدی را فراهم ساخته و کاربردی است؟ در این باره باید گفت که یافته‌های تحقیق حاضر در کمک به دانشگاه برای تدوین و اجرای مدل بلوغ سرمایه فکری می‌تواند مفید باشد.

سه) زمینه مفاهیم: یافته‌هایی که بستر و زمینه‌ای ندارند، ناقص‌اند. بدون زمینه مشخص، خواننده نمی‌تواند علت رخ دادن وقایع را درک کند. یافته‌های پژوهش حاضر برخاسته از تجارب، وقایع و رویدادهای مربوط به سرمایه فکری بوده، مفاهیم پدیدار شده از آن نیز مبتنی بر بستر، زمینه و فرهنگ دانشگاهی است.

چهار) منطق: آیا خطوط داستان، جریانهای منطقی‌ای ترسیم می‌کنند؟ برای تحقق این معیار، در فرایند روایتگری مدل بلوغ سرمایه فکری، تلاش شد تا روایت مد نظر از آهنگ منظم و یکپارچه و توالی مناسبی برخوردار باشد.

پنج) عمق: تشریح مفصل و مبسوط جزئیات به یافته‌های پژوهش غنا می‌بخشد. در پژوهش حاضر تلاش شد یافته‌های تحقیق در فرایند روایت نظریه پدیدار شده به طور مبسوط، همراه با جزئیات و توجه به مشخصه‌ها و ابعاد ارائه شوند.

شش) بداعت: آیا پژوهش حرف جدیدی برای گفتن دارد یا همان ایده‌های کهنه را در پوششی نو مطرح کرده است؟ در خصوص این معیار باید اشاره کرد که یافته‌های پژوهش حاضر برای ارائه مدل نسبتاً جامعی در حوزه تدوین مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه، از نوآوری برخوردار است.

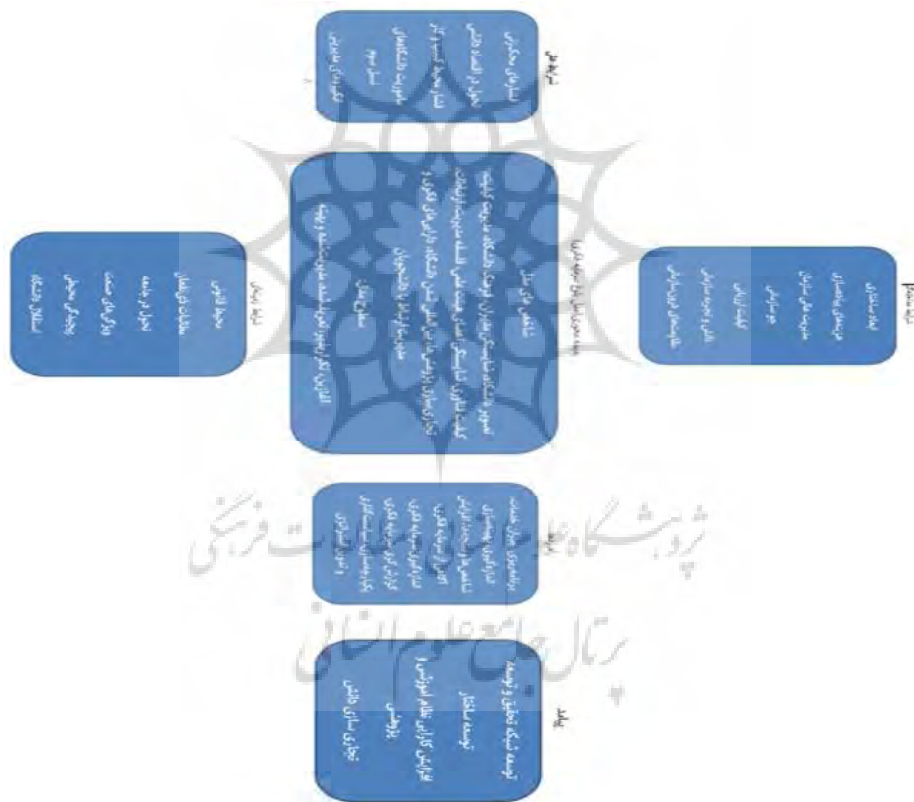
هفت) حساسیت: آیا پژوهشگر نسبت به موضوع تحقیق، مشارکت‌کنندگان و یافته‌های آن حساس بوده و آنها را جدی گرفته است؟ طی فرایند پژوهش حاضر، پژوهشگر تلاش کرد موضوع مطالعه را مهم بداند و با جدیت تمام در اجرای پژوهش اقدام کند.

هشت) استناد به یادداشتها: از آنجا که هر پژوهشگری در فرایند تحلیل یافته‌ها نمی‌تواند تمام مباحث، نظرها، بینشها و گفته‌ها را در ذهن نگه دارد، استفاده از یادداشتها ضرورت می‌یابد. در این زمینه، پژوهشگر تلاش کرد در بخشهای مختلف فرایند روایتگری مدل بلوغ سرمایه فکری و بر حسب ضرورت، به یادداشتهای مستخرج از داده‌ها استناد کند.

د) یافته‌های پژوهش

فرایند عملی تحلیل داده‌های کیفی شامل چهار مرحله است: داده، آشنا شدن، کدگذاری و حصول معانی و مفاهیم. با هدف تحلیل اکتشافی نظرات خبرگان، مفاهیم کلیدی در زمینه بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه، در طی فرایند کدگذاری باز شناسایی گردید و در کدگذاری محوری، عنوانی به مجموعه‌ای از مفاهیم مشترک شناسایی شده تعلق گرفت. پس از انجام مصاحبه حضوری عمیق با 29 نفر از خبرگان، مدیران و کارشناسان دانشگاهها، اشباع داده‌ای صورت گرفت و فرایند مصاحبه‌ها متوقف شد و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با توجه به شاخصهای

مطرح شده در مبانی نظری و نظریه داده‌بنیاد، به صورت عوامل گروه‌بندی شده جمع‌آوری شد. در این تحقیق، در مجموع بیش از 1400 کد اولیه در قالب 447 کد نهایی و 63 مقوله دسته‌بندی شد. مقوله‌هایی که در مراحل ابتدایی تجزیه و تحلیل شدند، دیدگاهها، تفکرات و ایده‌هایی را در ذهن محقق ایجاد کردند که سوالات و مصاحبه‌های بعدی را مطرح کند. با انجام این مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها، محقق دیدگاه و درک عمیق‌تری در رابطه با تجربه مصاحبه‌شوندگان به دست آورد. سپس بین مقوله‌ها و ویژگی‌های شناسایی شده در مرحله اولیه کدگذاری باز، حرکت رفت و برگشتی انجام شد. مفاهیم جدید که در مصاحبه‌های جدید شناسایی شدند، به مقوله‌های شناسایی شده اضافه شدند تا زمانی که مقوله‌ها به حد اشباع نظری رسیدند. بنا به ضرورت، بعضی از مقوله‌ها تغییر نام پیدا کردند و ارتباط بین مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی مختلف شکل گرفتند. مدل شماتیک پدیده مدل بلوغ سرمایه فکری شناسایی شده در این تحقیق، در شکل 1 ارائه شده است.



شکل 1: مدل شماتیک مدل بلوغ سرمایه فکری در دانشگاه

1. مقایسه یافته‌های تحقیق با تحقیقات گذشته

علاوه بر تفاوت‌هایی که از لحاظ روش‌شناسی بین این تحقیق و تحقیقات مشابه در این زمینه وجود دارد و جزء نوآوری‌های این تحقیق محسوب می‌شود، از لحاظ مدل و اجزای آن نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. البته به دلیل عدم استفاده تحقیقات گذشته از رویکرد نظریه بر خاسته از داده‌ها، اجزای کلی هیچ یک از مدل‌ها، نظریه‌ها و نتایج تحقیقات گذشته با اجزای این مدل تطبیق ندارد؛ ولی به لحاظ مفهومی می‌توان مقایسه‌ای بین شاخصهای سرمایه فکری به دست آمده در این پژوهش با برخی از مدل‌های سرمایه فکری انجام شده در بستر دانشگاه و مراکز تحقیقاتی انجام داد.

با توجه به مقایسه بین نتایج به دست آمده در این پژوهش با پژوهش‌های پیشین می‌توان ادعا کرد در ارتباط با شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدهای مدل بلوغ سرمایه فکری، این پژوهش دارای نوآوری کامل بوده، هیچ پژوهش دیگری پدیده مدل بلوغ سرمایه فکری را از این زوایا بررسی نکرده است. همچنین در ارتباط با پدیده محوری و شاخصهای شناسایی شده در این تحقیق، مشاهده شد مؤلفه «مدیریت ارتباط با دانشجویان» شامل زیرمؤلفه‌های جامعیت و یکپارچگی، تجربه کاربری مناسب، بهبود و ارتقای مداوم، به طور کامل جدید بوده و مشابهی در ادبیات موضوع ندارد. همچنین فعالیتهای فوق برنامه بین‌المللی، زیرمؤلفه بین‌المللی شدن دانشگاه؛ ثبات و مدیریت استعداد، زیرمؤلفه فلسفه مدیریت؛ شایستگی سازمانی و کارآمدی جمعی، زیرمؤلفه شایستگی اعضای هیئت علمی؛ الگوبرداری از دانشگاه‌های موفق، یادگیری و آموزش مداوم و تضمین کیفیت (استانداردهای خدمات آموزشی، پژوهشی، رفاهی)، زیرمؤلفه مدیریت کیفیت؛ و آموزشهای ضمن خدمت، زیرمؤلفه کیفیت فناوری؛ دارای نوآوری در ادبیات موضوع است.

ه) بحث و نتیجه‌گیری

امروزه سرمایه‌های فکری به عنوان یک دارایی راهبردی برای عملکرد سازمان و افزایش رقابت‌پذیری سازمانها دارای اهمیت اساسی‌اند و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، فناوری اطلاعات، تحقیق و توسعه و تصویر سازمان به منظور حفظ برتری رقابتی و تضمین بقای سازمانها، به الزام سازمانی مبدل شده است. این عوامل سبب می‌شوند مدیریت و بهبود سرمایه فکری نیز از دغدغه‌های مدیران و سیاستگذاران دانشگاه و آموزش عالی تلقی شود. مدیریت سرمایه‌های فکری به سازمانها اجازه خواهند داد که توانایی‌ها و شایستگی‌هایشان را به منظور بهره‌برداری از آن طی زمان شناسایی، حفظ و بازسازی کنند. به طور کلی، تمامی سازمانها و به تبع دانشگاهها، دارای میزانی از بلوغ سرمایه فکری‌اند. از طریق مدل بلوغ سرمایه فکری می‌توان وضعیت کنونی دانشگاه را سنجید و راهبردهای گام به گامی را برای اعتلای آن تدوین کرد.

سؤالی اینجاست که چرا دانشگاهها به سمت پیاده‌سازی و اجرای مدل بلوغ سرمایه فکری روی می‌آورند؟ چه چیزی باعث این موضوع می‌شود؟ اساساً مدل بلوغ سرمایه فکری چیست؟ بلوغ سرمایه فکری از چه مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود؟ دارای چه سطوحی است؟ در چه دامنه‌هایی قابل پیاده‌سازی است؟ از طریق چه روش‌هایی می‌توان

مدل بلوغ را پیاده‌سازی کرد؟ پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه‌فکری در چه زمینه‌ای رخ می‌دهد؟ عواملی درون‌سازمانی که می‌توانند به عنوان مانع یا تسهیلگر در پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه‌فکری نقش ایفا کنند، کدامند؟ پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه‌فکری چه پیامدهایی برای یک دانشگاه دارد؟

به طور خلاصه می‌توان «نظریه مدل بلوغ سرمایه‌فکری دانشگاه ایرانی» را چنین بیان کرد:

دانشگاه ایرانی دارای میزانی از بلوغ‌یافتگی در خصوص سرمایه‌های فکری خود است. فشارهای محک‌زنی، تحول در اقتصاد دانشی، فشار محیط کسب و کار، مأموریت دانشگاه‌های نسل سوم و انگیزه‌های مدیریتی، انگیزه‌های دانشگاه برای مبادرت به پیاده‌سازی و اجرای مدل بلوغ سرمایه‌فکری‌اند. این مدل دارای 12 مؤلفه تصویر دانشگاه، شایستگی مدیران، فرهنگ دانشگاه، مدیریت کیفیت، سطح کیفی فناوری، شایستگی اعضای هیئت علمی، فلسفه مدیریت، ارتباطات، تجاری‌سازی پژوهشها، بین‌المللی‌شدن دانشگاه، دارایی‌های فکری و مدیریت ارتباط با دانشجویان؛ پنج سطح شامل آغازین، تکرارپذیر، تعریف‌شده، مدیریت‌شده و بهینه و پنج دامنه شامل گروه آموزشی، دانشکده، سطح دانشگاه و سطح ملی است. اقداماتی که دانشگاه برای پیاده‌سازی مدل لازم است انجام دهد، عبارتند از: برنامه‌ریزی، جبران خدمات، اندازه‌گیری، بهینه‌سازی شاخصها و سنجها، افزایش آگاهی از سرمایه فکری، اندازه‌گیری سرمایه فکری، گزارشگری سرمایه فکری، یکپارچه‌سازی و سیاستگذاری و تدوین راهبرد. پیاده‌سازی مدل بلوغ سرمایه‌فکری در بستر شرایطی همچون: محیط قانونی، مطالبات ذی‌نفعان، تحول در جامعه، ویژگی‌های صنعت، پیچیدگی محیطی و استقلال دانشگاه رخ می‌دهد. ابعاد ساختاری، هزینه‌های پیاده‌سازی، مدیریت عالی سازمان، جو سازمانی، ارزیابی، دانش و تجربه سازمانی، مقاومت‌های درون‌سازمانی متغیرهایی‌اند که بر روند پیاده‌سازی مدل، اثرگذارند و می‌توانند سبب تسهیل یا ممانعت از اجرای موفق آن شوند. در نهایت، در صورت پیاده‌سازی مدل می‌توان انتظار توسعه شبکه تحقیق و توسعه، افزایش کارایی نظام آموزشی و پژوهشی، توسعه ساختار و تجاری‌سازی دانش را داشت.

منابع

- خامنه، ا. (1386). «مقایسه تطبیقی بین مدل‌های بلوغ مدیریت پروژه و انتخاب مدل بهینه جهت به کارگیری در شرکتهای با ساختار پیماتکاری عمومی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه. تهران.
- دانایی‌فرد، حسن؛ سید مهدی الوانی و عادل آذر (1395). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. [بی‌جا]: صفار اشراقی.
- Baumard, P. (2007). **Organization Id the Fog in Moingeon**. B. Organizational Learning and Competitive Advantage, London, Sage.
- Becker, B. E., Huselid, M. A., & Ulrich, D. 2001. **The HR scorecard**. Cambridge: Harvard Business School.
- Bontis, N. **Assessing Knowledge Assets A Review of the Models Used to Measure Intellectual Capital**, International Journal of Management Reviews, Vol. 3, No. 1, 2001, pp. 41-60.
- Castellanos, A.R. & A. Rodriguez (2004). "University R & D & T Capital: What Types of Knowledge Drive it?". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 5, No. 3: 478-499.
- Danaeifar, H., Alvani, M., Azar, A., (2014), "Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach", Saffar Publication. Tehran: Iran.
- Dumay, J. (2016). "A Critical Reflection on the Future of Intellectual Capital: from Reporting to Disclosure". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 17, No. 1: 168-184.
- Gazor, H.; F. Kohkan; A. Kiarazm & H. Rastegari (2013). "Impact of Intellectual Capital on Performance in Audit Institutes". *Asian Journal of Finance & Accounting*, 5 (1): 60-72.
- Guthrie, J.; F. Ricceri & J. Dumay (2012). "Reflections and Projections: a Decade of Intellectual Capital Accounting Research". *British Accounting Review*, Vol. 44, No. 2: 68-92.
- Guthrie, J.; R. Petty, K. Yongvanich & F. Ricceri (2004). "Using Content Analysis as a Research Method to Inquire into Intellectual Capital Reporting". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 5, No. 2: 282-293.
- Hunter, L.; E. Webster & A. Wyatt (2005). "Measuring Intangible Capital: a Review of Current Practice". *Australian Accounting Review*, Vol. 15, No. 2: 4-21.
- Kempton, L.; J. Goddard, J. Edwards, F.B. Hegyi & S. Elena-Pérez (2013). **Universities and Smart Specialisation**. S3 Policy Brief Series No. 3, European Commission Joint Research Centre, Institute for Prospective Technological Studies.
- Khameneh, A. (2007). "Comparative Comparison between Project Management Maturity Models and Optimal Model Selection". *4th International Conference on Project Management, Institute of Management and Development*. Tehran: Iran.
- Kong, E. & D. Prior (2008). "An Intellectual Capital Perspective of Competitive Advantage in Non-Profit Organizations". *International Journal Nonprofit Voluntary Sector Marketing*, Vol. 13, No. 2: 119-128.
- Kong, E. (2010). "Intellectual Capital and Non-Profit Organizations in the Knowledge Economy". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 11, No. 2: 97-106.

- Leitner, K-H. & C. Warden (2004). "Managing and Reporting Knowledge-Based Resources and Processes in Research Organizations: Specifics, Lessons Learned and Perspectives". *Management Accounting Research*, Vol. 15: 33-51.
- Lev, B. (2001). *Intangibles: Management, Measurement, and Reporting*. Brookings, Washington DC.
- Mouritsen, J. (2006), "Problematising Intellectual Capital Research: Ostensive Versus Performative IC". *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 19, No. 6: 820-841.
- Ramirez Co'rcoles, Y.; J. Santos & A. Tejada Ponce (2011). "Intellectual Capital in Spanish Public Universities: Stakeholders' Information Needs". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 12, No. 3: 356-376.
- Ramirez, Y. and Gordillo, S. (2014), "Recognition and measurement of intellectual capital in Spanish universities", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 15 No. 1, pp. 173-188.
- Sanchez, M.P. & S. Elena (2006). "Intellectual Capital in Universities Improving Transparency and Internal". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 7, No. 4: 529-548.
- Secundo, G.; A. Margherita, E., Elia & G. Passiante (2010). "Intangible Assets in Higher Education and Research: Mission, Performance or Both?". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 11, No. 2: 140-157.
- Sveiby, K.E. (2010). "Methods for Measuring Intangible Assets". Available at: www.sveiby.com/portals/0/articles/IntangibleMethods.htm, accessed on April 5th, 2014.
- Tan, H.P.; D. Plowman & P. Hancock (2008). "The Evolving Research on Intellectual Capital". *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 9, No. 4: 585-608.
- Wu, H.Y.; J.K. Chen & I.S. Chen (2012). "Ways to Promote Valuable Innovation: Intellectual Capital Assessment for Higher Education System". *Qual Quant*, Vol. 46: 1377-1391.